

## تغییر نوع مالکیت و تاثیر آن بر کارایی شرکت های بیمه

محمد کشوریان مقدم<sup>(۱)</sup>

### چکیده

در این مقاله سعی شده است به این سوال پاسخ داده شود که آیا حرکت بنگاهها از وضعیت خصوصی - رقابتی به سمت وضعیت دولتی - انحصاری لزوماً باعث تضعیف عملکرد آن می شود یا خیر. برای پاسخ گفتن به این پرسش با استفاده از روش استنتاج آماری عملکرد اقتصادی دو شرکت بیمه البرز و ایران طی دو دوره قبل و بعد از ملی شدن صنعت بیمه در گستره زمانی سال های ۱۳۴۸-۱۳۷۲ بررسی شده است. نتایج بررسی، بهبود عملکرد اقتصادی بیمه البرز در دوره پس از ملی شدن این شرکت و تنزل عملکرد در این دوره را برای بیمه ایران نشان می دهند. به نظر می رسد اهداف استراتژیک این دو شرکت نقش تعیین کننده ای بر عملکرد آن ها داشته است. نویسنده مقاله آزادسازی و مقررات زدایی در صنعت بیمه را مقدم بر خصوصی سازی می داند.

### واژگان کلیدی

خصوصی سازی، عملکرد اقتصادی، صنعت بیمه، استنتاج آماری، بیمه البرز، بیمه ایران، مالکیت، کارایی فنی

### مقدمه

بحث خصوصی سازی در برابر مالکیت و انحصار دولتی تقریباً به طور کامل در حوزه

تاریخ مباحث اقتصادی غرب قرار می‌گیرد. موضوع حدود دخالت دولت در اقتصاد همواره در طول تاریخ، توجه فیلسوفان و اندیشمندان بزرگ - از افلاطون و ارسطو گرفته تا آدام اسمیت و کیتز - را به خود جلب کرده است.

میان طرفداران بازار و پیروان دولت کشمکش بی پایان وجود داشته است و هر یک از این دو نظریه به فراخور شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه مدتی براریکه قدرت تکیه زده‌اند. اکنون چندی است که ستاره اقبال موفقیت‌های چشم‌گیر اتحاد جماهیر شوروی سابق در زمینه تسلیحات و علوم فضایی و حتی اقتصادی رو به افول نهاده است و دولت‌های رفاه در غرب نیز به محدود کردن عرصه تصدی‌گری‌های خود در امور اقتصادی کمر همت بسته‌اند و امروز بار دیگر پرچم‌های نیمه افراشته اقتصاد آزاد با قدرت تمام به اهتزاز در آمده‌اند و مزیت‌های خود را در منظر قضاوت متفکران قرار داده‌اند. نقاط مثبت نظریه تعدیل شده اقتصاد آزاد آن قدر برجسته و جذابند که تقریباً مقبولیتی عام یافته‌اند و باوجود بروز ناآرامی‌ها و آشوب‌های اجتماعی در برخی از کشورها که با اصرار خواستار اجرای عاجلانه و قاطعانه نظریه اقتصاد آزاد بوده‌اند، جهت‌گیری کلی اقتصاد جهانی به سمت آزادی فعالیت‌های اقتصادی است. در کشور ما نیز جریان خصوصی‌سازی از اولویت‌های برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی پس از پایان جنگ تحمیلی به این سو بوده است و اینک تداوم این موج به پای دیوارهای صنعت بیمه کشور نیز رسیده است. اگر دروازه‌های شهر بیمه بر روی این موج بسته بماند احتمال دارد پس از مدتی دیوارهای آن فرو ریزد. لذا به نظر می‌رسد راه علاج گشودن تدریجی دروازه‌ها و سیراب کردن درختان شهر از این جریان فکری غالب باشد.

### نظریه نیس کتن و مدل هارتلی - پارکر

نظریه نیس کتن درباره دیوان سالاری اظهار می‌دارد: رای دهندگان، سیاستمداران را که نماینده ترجیحات آنان برای کالاهای عمومی‌اند، انتخاب می‌کنند، سیاستمداران نیز برای هر سطحی از تولید کالاهای عمومی، ارزشی در نظر می‌گیرند که بیانگر ارزشی است که رای دهندگان میانی برای آن سطح از تولید قایلند. بنابراین سیاستمداران برای بنگاه‌های دولتی بودجه‌ای پیشنهاد می‌دهند که تولیدات بخش عمومی بر پایه آن بودجه، رضایت رای دهندگان میانی را کسب کنند، اما بنگاه‌های دولتی بودجه‌ای را تقاضا می‌کنند که نه تنها توابع تولید و هزینه عرضه کالاهای عمومی را به پوشاند بلکه تابع

مطلوبیت مدیران را نیز حداکثر کند.

نیس کنن معتقد است مدیر نیز مانند هر شخص دیگری به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت خویش است. طبق نظریه نیس کنن مولفه‌های تشکیل دهنده تابع مطلوبیت مدیر شامل حقوق وی، تعداد کارکنان تحت امر و میزان حقوق آن‌ها، وجهه اجتماعی و در نهایت قدرت اجرایی مدیر در جامعه است. با عنایت به این که بسیاری از متغیرهایی که در تابع مطلوبیت مدیر وجود دارند، مستقیماً با مقدار بودجه بنگاه در ارتباط‌اند، نتیجه این خواهد شد: مدیران که به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت خویش هستند، تلاش خواهند کرد که بودجه بنگاه خود را نیز حداکثر کنند و از آن جا که بیش از سیاستمداران از ریز اطلاعات درباره تابع تولید، قیمت نهاده‌ها، روند تقاضا برای خدمات و ... آگاهی دارند، می‌توانند با ارائه اطلاعات نادرست، بودجه‌ای را که خود مایل هستند، اخذ کنند. لذا چنین مدیرانی عنصر بی اثری در فرایند تصمیم‌گیری بودجه نخواهند بود. مدل نیس کنن در شکل‌های ساده‌تر خود اظهار می‌دارد که دیوان سالاری بخش دولتی تمایل دارد تولید خود را به دو برابر مقدار تولیدی که به لحاظ اجتماعی، بهینه تشخیص داده شده است گسترش دهد. این نتیجه‌گیری مبنا و پایه‌ای برای تقاضا برای اجرای سیاست‌های کوچک سازی دولت همچون خصوصی سازی، گسترش پیمانکاری و غیره شد. هارتلی و پارکر نیز در جهت همان سیاست‌های کوچک سازی، مدل پیشنهادی خود درباره اولویت شرکت‌ها و واحدهای تولیدی و تجاری در خصوصی سازی را با در نظر گرفتن مالکیت و ساختار بازار در یک ماتریس ۲×۲ به شرح زیر ارائه داده‌اند.

		ساختار بازار	
		انحصاری	رقابتی
مالکیت	دولتی	A	B
	خصوصی	C	D

این دو فرض می‌کنند که:

۱. D بر A اولویت دارد. D معرف تولید در بازار رقابت، با مالکیت خصوصی است.
۲. D بر C اولویت دارد و بیان‌کننده دیدگاه استاندارد اقتصادی در رابطه با برتری رقابت است.

۳. D با B برابر و یا بر آن اولویت دارد. شواهد مختلف نشان دهنده برتری بنگاه خصوصی به بنگاه‌های دولتی در شرایط رقابتی است.

۴. B بر A اولویت دارد، که منعکس کننده برتری نقش رقابت است.

۵. C بر A اولویت دارد. زیرا در یک محیط غیر رقابتی بازارهای سرمایه خصوصی نقش موثرتری دارند.

۶. B در مقایسه با C تمامی حالت‌های ممکن را می‌تواند داشته باشد و عملکرد آن به قدرت نسبی رقابت و مالکیت بستگی دارد.

تفاوت انگیزه بین بخش خصوصی و بخش عمومی مهم‌ترین عاملی است که بر عملکرد اقتصادی بنگاه‌ها اثر می‌گذارد. بخش خصوصی اغلب یک هدف و آن هم سودآوری را مدنظر قرار می‌دهد و چون حق و حقوق سهامداران از سود کاملاً مشخص و بدون ابهام است، پی‌گیری این هدف با جدیت صورت می‌گیرد. اما در بخش عمومی سهامداران (عامه مردم) پراکنده هستند و این که سهم هر کسی از سود چقدر است و اساساً آیا کسب سود باید هدف اصلی باشد، مورد شک و تردید قرار می‌گیرد و نتیجه آن خواهد شد که در غیاب انگیزه سودآوری، بنگاه‌های این بخش تمایل دارند اهدافی هم چون حداکثر کردن بودجه، ریسک‌گریزی، اشتغال‌مآزاد، قیمت‌گذاری و سرمایه‌گذاری غیر بهینه را دنبال کنند.

نظریه اقتصادی، ساختار بازار - و نه صرف نوع مالکیت - را به عملکرد اقتصادی ارتباط می‌دهد. در بازار کالای به شدت رقابتی، یک بنگاه اقتصادی نمی‌تواند محصول یا خدمت خود را به قیمتی بیش از قیمت رقبا بفروشد و در ضمن بتواند برای مدت زیادی در بازار دوام آورد. لذا هر قدر که بازار کالا رقابتی‌تر می‌شود انگیزه برای کاهش هزینه‌ها افزایش می‌یابد.

نقش مالکیت بر عملکرد بنگاه از طریق بازار سرمایه منعکس می‌شود. هر چه سهام بنگاه‌ها قابلیت نقل و انتقال سریع‌تری داشته باشند، اثر بازار سرمایه قوی‌تر ظاهر می‌شود. زیرا اگر نرخ بازده بنگاه کمتر از نرخ بهره بازار باشد سهامداران با فروش سهام خود و خریدن سهام جدید بنگاه، عملاً بنگاه را به مرحله سقوط نزدیک می‌کنند.

از آن جا که بنگاه‌های بخش عمومی به علت حمایت‌های دولتی به طور جدی توسط بازارهای کالا و سرمایه تحت فشار قرار نمی‌گیرند، از عدم کارایی بهینه خود نیز واهمه‌ای ندارند (برای مثال، در صورتی که این بنگاه‌ها نیازمند سرمایه جدید باشند، به

راحتی توسط دولت تدارک مالی می‌شوند) در حالی که فشارهای این دو بازار بر عملکرد اقتصادی بنگاه‌های بخش خصوصی کاملاً محسوس است.

## استنباط آماری

مدل نیس کنن کوچک سازی بخش عمومی را توصیه کرد و مدل هارتلی و پارکر اولویت‌های واگذاری را مشخص ساخت، طبق این مدل کاراترین شرکت‌ها در وضعیت خصوصی - رقابتی قرار دارند و حرکت از موقعیت‌های دولتی و انحصاری به سمت وضعیت ایده آل احتمالاً باعث بهبود عملکرد بنگاه‌ها خواهد شد. با تکیه بر مبانی دو دیدگاه فوق تلاش گردید، طی یک مطالعه موردی به این پرسش پاسخ داده شود که آیا عملکرد اقتصادی شرکت‌های بیمه کشور پس از ملی شدن صنعت بیمه تنزل یافته است یا خیر. از میان پنج شرکت بیمه کنونی، شرکت بیمه البرز به علت احراز سابقه مناسب در مدیریت و مالکیت بخش خصوصی به عنوان شرکت آزمون انتخاب شده و از آن جا که مدیران این شرکت و بستگان نزدیک آنان اکثریت سهام این شرکت را در دوران خصوصی بودن آن در اختیار داشته‌اند می‌توان ادعا کرد که این شرکت شباهت بسیاری به عالی‌ترین مرتبه شرکت‌های خصوصی که به عنوان شرکت‌های «مدیر - مالکی» شناخته شده‌اند، داشته است لذا تضاد بالقوه بین اهداف مدیران و صاحبان سهام در کمترین میزان ممکن خود بوده، مدیران این شرکت با انگیزه‌ای بالا برای افزایش کارایی فنی (و کلاً عملکرد اقتصادی) تلاش کرده‌اند.

عملکرد اقتصادی شرکت بیمه ایران نیز که تقریباً از بدو تأسیس تاکنون همواره تحت مالکیت دولت قرار داشته به عنوان شرکت شاهد در نظر گرفته شده است.

دوره مورد بررسی این پژوهش محدوده زمانی سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۷۲ را شامل می‌شود. در این بررسی صرفاً به شاخص‌های سودآوری اکتفا نشده است، زیرا ممکن است سودآوری نتیجه عوامل اقتصادی و اجتماعی حاکم بر بازار باشد و در برخی موارد بین عملکرد و مدیریت صحیح یک شرکت و سودآوری رابطه‌ای وجود نداشته باشد. لذا برای آزمون فرضیه، ۲۳ شاخص از میان شاخص‌های گروه سودآوری، سرمایه‌گذاری، بهره‌وری و غیره برگزیده شده و میانگین هر شاخص برای دوره قبل و بعد از ملی اعلام شدن صنعت بیمه محاسبه شده است. با فرض یکسان بودن ضریب اهمیت شاخص‌های برگزیده، در صورتی که ۵۱ درصد این شاخص‌ها میانگین کمتری را پس از ملی شدن

شرکت‌های بیمه نشان دهند ما شرکت مزبور را به عنوان شرکتی که عملکرد کلی آن تنزل یافته است قلمداد می‌کنیم.

فرضیه‌های آزمون به صورت زیر تعریف شده‌اند:

بین میانگین شاخص قبل و بعد از ملی شدن شرکت بیمه مورد نظر تفاوتی وجود ندارد.

$$H_0: \mu_1 = \mu_2$$

میانگین شاخص قبل از ملی شدن شرکت بیمه، بزرگ‌تر از میانگین آن پس از ملی شدن است.

$$H_1: \mu_1 > \mu_2$$

به علت کوچک بودن نمونه‌ها و نامشخص بودن واریانس جامعه، ابتدا فرض تساوی و عدم تساوی واریانس شاخص‌های دو جامعه، در سطح تشخیص ۵ درصد آزمون شده است. در صورت فرض تساوی واریانس دو جامعه از آماره  $t$  و در صورت فرض عدم تساوی واریانس‌ها از آماره  $t'$  برای آزمون فرضیه اختلاف میانگین‌ها استفاده شده است.

$$t = \frac{(\bar{X}_1 - \bar{X}_2) - (\mu_1 - \mu_2)}{S_p \sqrt{\frac{1}{n_1} + \frac{1}{n_2}}}, \quad S_p = \sqrt{\frac{(n_1 - 1)s_1^2 + (n_2 - 1)s_2^2}{n_1 + n_2 - 2}}$$

$$d.f = n_1 + n_2 - 2$$

$$t' = \frac{(\bar{X}_1 - \bar{X}_2) - (\mu_1 - \mu_2)}{\sqrt{\frac{s_1^2}{n_1} + \frac{s_2^2}{n_2}}}, \quad d.f = \frac{\left(\frac{s_1^2}{n_1} + \frac{s_2^2}{n_2}\right)^2}{\frac{\left(\frac{s_1^2}{n_1}\right)^2}{n_1 - 1} + \frac{\left(\frac{s_2^2}{n_2}\right)^2}{n_2 - 1}}$$

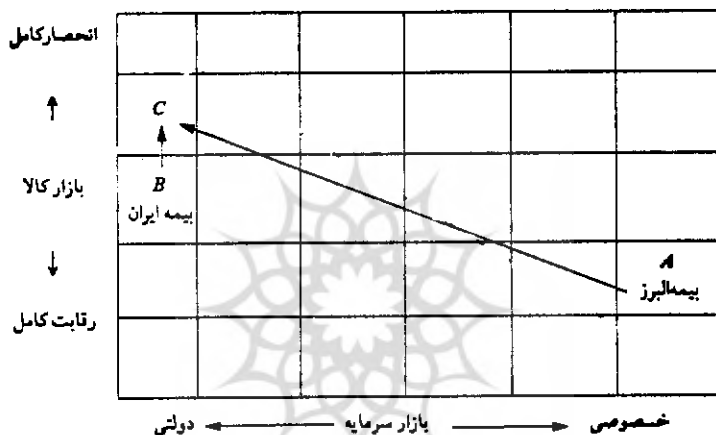
$\bar{X}_1$  میانگین شاخص در نمونه پیش از ملی شدن شرکت

$\bar{X}_2$  میانگین شاخص در نمونه پس از ملی شدن شرکت

$\mu_1$  میانگین شاخص جامعه پیش از ملی شدن شرکت

$\mu_2$  میانگین شاخص جامعه پس از ملی شدن شرکت

- $n_1$  تعداد مشاهدات مورد بررسی دوره پیش از ملی شدن شرکت
- $n_2$  تعداد مشاهدات مورد بررسی پس از ملی شدن شرکت
- $s_1$  انحراف معیار نمونه دوره پیش از ملی شدن شرکت
- $s_2$  انحراف معیار نمونه دوره پس از ملی شدن شرکت
- $d.f$  درجه آزادی

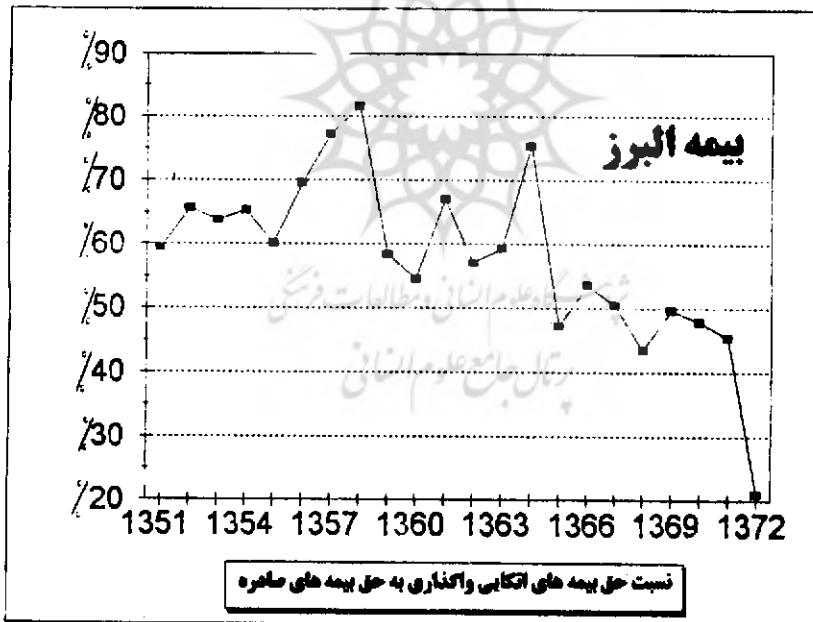


در بیمه البرز ۸۷ درصد شاخص‌ها (۲۰ شاخص از مجموع ۲۳ شاخص محاسبه شده) فرضیه  $H_0$  را تأیید می‌کنند. (افزایش ضریب خسارت و افزایش سهم شرکت از کل خسارت پرداختی بازار به عنوان عاملی منفی در ارزیابی عملکرد لحاظ شده است) که اگر آزمون فرضیه مجددی مبنی بر بزرگ‌تر بودن میانگین شاخص‌ها پس از ملی اعلام شدن شرکت آزمون شود، بیش از ۵۱ درصد شاخص‌ها فرضیه مزبور را تأیید می‌کنند لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که عملکرد کلی شرکت بیمه البرز در دوره دوم بهبود یافته است. در شرکت بیمه ایران ۵۲ درصد شاخص‌ها فرضیه  $H_0$  را رد می‌کنند و افت عملکرد اقتصادی شرکت را در دوره دوم نشان می‌دهند. این نتایج با مدل هارتلی - پارکر قابل توجیه نیستند زیرا وضعیت نهایی این دو شرکت در دوره دوم حکایت از فقدان فشار بازار کالا و سرمایه دارد و ما باید شاهد افت عملکرد کلی هر دو شرکت باشیم. توضیح وضعیت پیش آمده را باید در شرایط سیاسی - اقتصادی پس از انقلاب اسلامی و اهداف

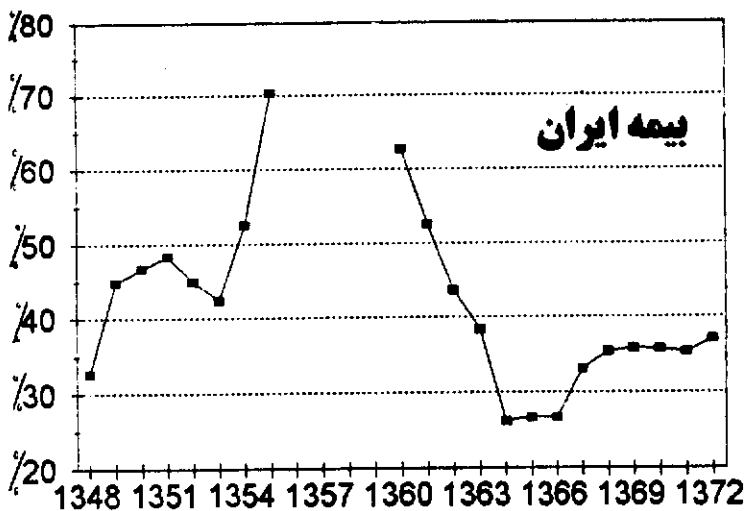
حاکم بر مدیریت این دو شرکت جست و جو کرد.

مقایسه روند حق بیمه صادره و خسارت پرداختی هر دو شرکت بیمه ایران و البرز برای کل دوره مورد بررسی نشان می‌دهد که فاصله بین این دو منحنی که تا حد زیادی سود (زیان) عملیات بیمه‌ای را نشان می‌دهد جز چند سال از دوران جنگ تحمیلی تقریباً همواره فزاینده و اگر بوده است و این به معنی وجود سود بالقوه زیادی در فعالیت‌های بیمه‌ای است.

در شرکت بیمه البرز در دوره نخست (۵۷-۱۳۵۱)، سهم بیمه‌گران اتکایی از حق بیمه‌های صادره همواره بیش از ۶۰ درصد بوده است در حالی که در دوره دوم (۷۲-۱۳۵۸) جز سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۴ این نسبت همیشه کمتر از ۶۰ درصد بوده و روند کلی آن نزولی بوده است.







نسبت حق بیمه های اتکایی واگذاری به حق بیمه های صادره

این مطلب بیانگر آن است که در دوره نخست شرکت بیمه البرز همچون یک نمایندگی شرکت های بیمه خارجی رفتار می کرد (تا یک شرکت بیمه مستقل) و با نگهداری درصد اندکی از حق بیمه ها نزد خود میزان نگهداری ریسک را تا حد زیادی کاهش می داد و بیشتر به گرفتن کارمزد از فعالیت های بیمه ای قناعت می کرد اما در دوره دوم که به دلایل سیاسی و اقتصادی واگذاری حق بیمه های اتکایی به خارج کاهش یافت سود بالقوه فعالیت های بیمه ای در داخل این شرکت ماندگار شد به طوری که می توان ادعا کرد افزایش نسبت های سود آوری این شرکت در دوره دوم تا حدودی متأثر از این عامل بوده است. شرکت بیمه ایران نیز با شدتی کمتر چنین وضعیتی را تجربه کرده است.

از بررسی شاخص های منتخب چنین به نظر می رسد که شرکت سهامی بیمه البرز پس از ملی شدن همچنان اولویت نخست خود را به افزایش سودآوری و بهبود کلی عملکرد معطوف کرده است در صورتی که شرکت سهامی بیمه ایران به گسترش سهم بازار خود از کل تولید بازار توجه داشته است. سهم بازاری این شرکت از کل حق بیمه های صادره از متوسط ۵۵ درصد در دوره نخست به متوسط ۶۷ درصد در دوره دوم ارتقا یافته است.

در صورتی که اهداف استراتژیک این دو شرکت به واقع این گونه بوده باشد هر دو

شرکت در دستیابی به اهداف خود توفیقی نسبی داشته‌اند و البته شرکت بیمه البرز موفق‌تر بوده است. زیرا این شرکت علاوه بر بهبود عملکرد اقتصادی، سهم بازاری تولید خود را نیز از متوسط ۷ درصد دوره نخست به متوسط ۱۱ درصد در دوره دوم افزایش داده است.

### بیمه البرز

شاخص	میانگین دوره		آماره t یا t'	درجه آزادی d.f	t جدول	نتیجه آزمون فرضیه
	اول	دوم				
نرخ رشد حق بیمه واقعی شرکت	۰/۰۵	۰/۰۱	t=۰/۳۳	۱۹	۲/۰۹	H0 پذیرفته
حق بیمه واقعی صادره شرکت به جمعیت	۱۳۳/۸	۹۹/۷۲	t=۱/۳۶	۲۰	۲/۰۸	H0 پذیرفته
شاخص نفوذ	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۴	t'=۰	۱۷	۲/۱	H0 پذیرفته
ضریب خسارت	۰/۵۸	۰/۲۲	t=۹/۱۳	۱۸	۲/۱	H0 رد
سود عملیات بیمه‌ای واتکایی به حق بیمه صادره	۰/۱۳	۰/۳۶	t=-۵/۰۱	۱۸	۲/۱	H0 پذیرفته
ارزش افزوده به هزینه‌های اداری و عمومی	۲/۴۴	۴/۱۳	t=۱/۴۷	۱۸	۲/۱	H0 پذیرفته
فروش به هزینه‌های اداری و عمومی	۱۴/۵۱	۱۳/۸۴	t=۰/۳۵	۲۰	۲/۰۸	H0 پذیرفته
درآمد سرمایه‌گذاری‌ها به ذخایر فنی	۰/۱۴	۰/۰۸	t=۲/۸۴	۱۷	۲/۱۱	H0 رد
بازده دارایی (با متوسط دارایی)	۰/۰۶	۰/۰۹	t=-۱/۵۲	۱۹	۲/۰۸	H0 پذیرفته
بازده دارایی (بدون متوسط دارایی)	۰/۰۵	۰/۰۸	t=-۲/۲	۱۸	۲/۰۸	H0 پذیرفته
بازده فروش	۰/۱۱	۰/۳۰	t=۳/۷	۲۰	۲/۰۸	H0 پذیرفته
بازده ارزش ویژه	۰/۳۰	۰/۸۷	t=-۴/۱۹	۱۹	۲/۰۹	H0 پذیرفته
سهم شرکت از کل حق بیمه صادره بازار	۰/۰۷	۰/۱۱	t=۲/۳۲	۱۷	۲/۱۱	H0 پذیرفته
سهم شرکت از کل خسارت پرداختی بازار	۰/۰۹	۰/۰۶	t=۲/۲۶	۱۷	۲/۱۱	H0 رد
ارزش افزوده شرکت به تولید ناخالص ملی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	t=۰	۱۸	۲/۱	H0 پذیرفته
بهروری واقعی سرمایه	۰/۰۷	۰/۸۷	t=-۱/۳	۱۷	۲/۱	H0 پذیرفته
بهروری واقعی نیروی کار	۱۵/۴۹	۷/۶۷	t=۲/۱۷	۱۸	۲/۱	H0 رد
ارزش افزوده به فروش	۰/۱۶	۰/۳۰	t=-۲/۰۶	۱۸	۲/۱	H0 پذیرفته
فروش واقعی به کارکنان	۱۳۰/۵۶	۲۴/۷۱	t=۴/۸۷	۲۰	۲/۰۸	H0 رد
بهره‌وری دارایی ثابت و تجهیزات	۱/۳۶	۲/۱۳	t=-۴/۶۸	۱۸	۲/۱	H0 پذیرفته
بازده سرمایه در گردش	۰/۷۱	۰/۲۹	t=۱/۷۱	۲۲	۲/۰۸	H0 پذیرفته
ارزش افزوده واقعی شرکت به جمعیت	۲۱/۱۹	۳۷/۲۴	t=۰/۹۷	۱۸	۲/۱	H0 پذیرفته
سود ویژه به هزینه‌های اداری و عمومی	۱/۵۲	۴/۱۷	t=-۴/۶۴	۱۹	۲/۰۹	H0 پذیرفته

بیمه ایران

شاخص	میانگین دوره		آماره t یا t'	درجه آزادی d.f	t جدول	نتیجه آزمون فرضیه
	اول	دوم				
نرخ رشد حق بیمه و قسطی شرکت	۰/۱۶	۰/۰۵	t=۱/۰۷	۱۸	۲/۰۹	H0 پذیرفته
حق بیمه و قسطی صادره شرکت به جمعیت	۱۳۲/۵۷	۵۹۰/۳	t=۳/۴۳	۲۰	۲/۰۸	H0 رد
شاخص نفوذ	۰/۰۰۳۱	۰/۰۰۲۴	t=۲/۲۸	۲۰	۲/۰۸	H0 رد
ضریب خسارت	۰/۳۷	۰/۴۲	t=۱/۳۷	۲۰	۲/۱	H0 پذیرفته
سود عملیات بیمه‌های و اتکالی به حق بیمه صادره	۰/۳۴	۰/۲۵	t=۱/۵۲	۱۸	۲/۱	H0 پذیرفته
ارزش افزوده به هزینه‌های اداری و عمومی	۷/۲۲	۴/۸۶	t=۱/۲۵	۱۴	۲/۱	H0 پذیرفته
فروش به هزینه‌های اداری و عمومی	۱۰/۹۴	۱۴/۵۲	t=۱/۵۹	۱۹	۲/۰۸	H0 پذیرفته
درآمد سرمایه گذاری‌ها به ذخایر فنی	۰/۰۶	۰/۰۶	t=۰	۱۹	۲/۱۱	H0 پذیرفته
بازده دلاری (با متوسط دلاری)	۰/۲۴	۰/۰۹	t=۳/۸۸	۹	۲/۲۶	H0 رد
بازده دلاری (بدون متوسط دلاری)	۰/۲۱	۰/۰۸	t=۳/۶۴	۹	۲/۲۶	H0 رد
بازده فروش	۰/۲۸	۰/۲۲	t=۱/۱	۲۰	۲/۰۸	H0 پذیرفته
بازده ارزش ویژه	۱/۴۴	۰/۵۲	t=۲/۳۷	۱۸	۲/۰۹	H0 رد
سهم شرکت از کل حق بیمه صادره بازار	۰/۵۵	۰/۵۷	t=۳/۵۷	۱۷	۲/۱۱	H0 پذیرفته
سهم شرکت از کل خسارت پرداختی بازار	۰/۴۹	۰/۷۲	t=۱/۵۲	۱۷	۲/۱۱	H0 پذیرفته
ارزش افزوده شرکت به تولید ناخالص ملی	۰/۰۰۱۳	۰/۰۰۰۷	t=۲/۵۴	۱۸	۲/۱۱	H0 رد
بهروری و قسطی سرمایه	۰/۳۶	۰/۱۳	t=۴/۴	۲	۴/۳	H0 رد
بهروری و قسطی نیروی کار	۱۳/۷۶	۷/۰۷	t=۲/۴۶	۱۸	۲/۱	H0 رد
ارزش افزوده به فروش	۰/۴۶	۰/۳۲	t=۱/۵۷	۱۵	۲/۱	H0 پذیرفته
ارزش و قسطی به کارکنان	۲۸/۹۵	۳۳/۹۶	t=۲/۲۳	۲۰	۲/۰۸	H0 رد
بهره‌وری دلاری ثابت و تجهیزات	۱۳/۵۱	۵/۵۹	t=۲/۹۱	۱۴	۲/۱	H0 رد
بازده سرمایه در گردش	۰/۵	۰/۱۹	t=۶/۳۷	۱۹	۲/۰۸	H0 رد
ارزش افزوده و قسطی شرکت به جمعیت	۴۶۵/۹	۱۸۲/۱	t=۴/۰۹	۱۸	۲/۱	H0 رد
سود ویژه به هزینه‌های اداری و عمومی	۳۳۲	۳/۴	t=۰/۰۷	۱۹	۲/۰۸	H0 پذیرفته

کاهش نسبت‌های سود آوری و بهره‌وری و افزایش نسبت فروش به هزینه‌های اداری و عمومی در شرکت بیمه ایران در دوره دوم، تصور ما مبنی بر اولویت داشتن افزایش سهم بازار بر سودآوری این شرکت را تأیید می‌کند. برای مثال، نسبت‌های سود عملیات بیمه‌ای و اتکایی به حق بیمه‌های صادره از ۷/۴۲ به ۴/۸۶، بازده فروش از ۲۸ درصد به ۲۵ درصد، ارزش افزوده به هزینه‌های اداری و عمومی از ۷/۴۲ به ۴/۸۶، بازده فروش از ۲۸ درصد به ۲۲ درصد، بازده ارزش ویژه از ۱/۴۴ به ۰/۶۴ و فروش واقعی به کارکنان شرکت از ۲۸/۹۵ به ۲۳/۱۶ میلیون ریال کاهش یافته‌اند. افزایش نسبت فروش به هزینه‌های اداری و عمومی از ۱۰/۹۴ به ۱۴/۶۴ در حالی که نسبت‌های سودآوری و بهره‌وری کاهش یافته‌اند ممکن است تا حدی بدین معنا باشد که شرکت جهت افزایش سهم بازار تولید خود وارد حوزه‌های زیانده و یا با سودآوری اندک نیز شده است و به عبارتی برای جلب مشتریان بیشتر، در صدور بیمه نامه‌ها شرایط آسان‌تری در نظر گرفته و در پرداخت خسارت‌ها نیز چندان سخت‌گیر نبوده است.

طرح بیمه عمر کارکنان دولت مویدی دیگری بر فرضیه ماست. وقتی دولت تصمیم گرفت تمامی کارمندان خود را در مقابل پرداخت حق بیمه ناچیزی، بیمه عمر کند با وجود زیانی که کارشناسان از فعالیت در این بخش برای شرکت‌های بیمه پیش‌بینی می‌کردند معه‌ذا بیمه ایران در جهت همان سیاست پشتناز بودن و گسترش سهم بازاری خود، حاضر به فعالیت در این بخش شد. اما شرکت بیمه البرز با اولویت دادن به رشته‌های بیمه‌ای سودآور کوشش کرده است تا خود را از فعالیت در حوزه‌های با سودآوری اندک و یا رشته‌های زیان‌ده دور نگاه دارد. برای مثال، این شرکت سهم بازاری خود از حق بیمه‌های صادره رشته‌های باربری و آتش‌سوزی را از متوسط ۹ درصد و ۳ درصد در دوره نخست به متوسط ۱۷ درصد و ۱۴ درصد در دوره دوم افزایش داده است، ضمن آن که فعالیت در رشته بیمه اتوموبیل را که اغلب نیز با سودآوری اندک و گاهی زیان همراه است از متوسط ۱۳ درصد به متوسط ۸ درصد در دوره دوم کاهش داده است در حالی که بیمه ایران، سهم بازاری خود از حق بیمه‌های صادره اتوموبیل را از متوسط ۳۰ درصد در دوره نخست به متوسط ۶۱ درصد در دوره دوم ارتقا داده است.

ثبات نسبی مدیریت نیز در بیمه البرز (با متوسط طول عمر ۴ سال برای هر مدیریت) فرصت و قدرت بیشتری به مدیران این شرکت برای افزایش کارایی فنی آن داده است.

## نتیجه گیری

نظریه نیس کنن و مدل هارتلی - پارکر بیان شد و با وجود مبانی این دو نظریه فرضیه این پژوهش تأیید نشد. لذا منصفانه خواهد بود اگر دیدگاه مخالفان نظریه نیس کنن را نیز ذکر کنیم. در مقابل نیس کنن اقتصاد دانانی همچون جکسون معتقدند که توابع رفتاری مدیران پیچیده تر از آن است که نیس کنن فرض کرده است. مدیران می توانند به شیوه های متفاوت بر انگیزه شونده مثلاً تابع مطلوبیت آنها به جای این که از طریق حداکثر کردن بودجه بنگاه، حداکثر شود می تواند از طریق خدمت به مردم و یا اجرای صحیح مسؤلیتی که بر عهده گرفته اند حداکثر شود زیرا مدیران بخش عمومی نیز همان زمینه های فرهنگی و اجتماعی را دارند که مدیران بخش خصوصی از آن برخوردارند و باعث تعجب خواهد بود اگر آنها ارزش های مشابه مدیران بخش خصوصی را مدنظر قرار ندهند. مضاف بر آن باید به خاطر داشت که قوانین اجتماعی همچون قوانین علوم طبیعی ثابت و لایتغیر نیستند بلکه تحت تاثیر عوامل محیط قرار می گیرند و چه بسا نتیجه ای که از اجرای یک نظریه اقتصادی در جامعه ای به دست می آید با نتایج اجرای همان نظریه اقتصادی در جامعه ای دیگر با شرایطی متفاوت کاملاً مغایر باشد.

در خصوص دو شرکت مورد بررسی این پژوهش می توان گفت که شرکت بیمه ایران اولویت نخست خود را به بستر سازی و ایجاد فضای امن برای فعالیت های اقتصادی جامعه قرار داده است و به عبارتی، بیشتر یک رسالت اجتماعی را بر دوش گرفته است تا یک هدف اقتصادی صرف را، در حالی که شرکت بیمه البرز بهبود عملکرد اقتصادی خود را به عنوان نخستین هدف برگزیده است.

نهایت این که به نظر می رسد تغییر نوع مالکیت لزوماً باعث بهبود یا افت عملکرد اقتصادی شرکت های بیمه نمی شود و اهداف استراتژیک و کارایی فنی مدیران نقش تعیین کننده ای در نتیجه عملکرد اقتصادی بنگاه ها دارد. لذا مناسب است پیش از خصوصی سازی شرکت های بیمه کنونی، فضای حاکم بر صنعت بیمه کشور به سمت یک فضای رقابتی و اجازه ورود به رقبای بخش خصوصی تغییر یابد تا در صورت مساعد بودن نتایج، در خصوص نحوه واگذاری شرکت های بیمه کنونی تصمیم مناسب اتخاذ شود.

## منابع

۱. آسوده، سیدمحمد. «حسابداری شرکت‌های بیمه»، فصلنامه صنعت بیمه، شماره اول، ۱۳۶۵، شماره دوم، ۱۳۶۶.
۲. اکبری، فضل‌الله. تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۴.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. حساب‌های ملی ایران ۶۶-۱۳۵۳، اداره حساب‌های اقتصادی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
۴. پژوهان، جمشید. اقتصاد بخش عمومی، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، جلد اول، ۱۳۷۲.
۵. تمدن، محمدحسین. تاریخ عقاید اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۶۵.
۶. حقی، محمدعلی. «رمز موفقیت خصوصی سازی: تطبیق شرایط خودی با تجربیات دیگران»، صنعت حمل و نقل، شماره ۱۶۷.
۷. دانش جعفری، داوود. «مقایسه عملکرد بنگاه‌های دولتی و خصوصی با توجه به مورد ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۸. دفتر مطالعات و پژوهش‌های بیمه‌ای، تحولات بیمه‌های بازرگانی در ایران از آغاز تا سال ۱۳۷۰، بیمه مرکزی ایران، ۱۳۷۲.
۹. رفیعی، محمد مهدی. «بررسی مقایسه‌ای عملکرد شرکت‌های واگذار شده به بخش خصوصی قبل و بعد از واگذاری در روند خصوصی سازی در جمهوری اسلامی ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴.
۱۰. متوسلی، محمود. خصوصی سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۱۳۷۳.
۱۱. قراگزلو، سیاوش. «مقایسه عملکرد و کارایی اقتصادی و مالی چهار شرکت از صنایع نساجی و لاستیک (شیمیایی)»، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

- & Co 1977).
13. Brown, C.V & P.M. Jackson, *Public Sector Economics* Blackwell, 1993.
  14. Francois, Outreville, *Theory and Practice of insurance*, Kluwer Academic Publishers, 1998.
  15. Ott, Attiat & Keith Hartly, *Privatization and Economic Efficiency*, Edward Elgar, 1993.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی